

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Analysis of the Dimensions and Components of Non-Pecuniary Damages and Methods of Compensation in the Legal Systems of Iran and England

Farid Farahmand*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: dr.faridfarahmand@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Non-pecuniary damage refers to harm inflicted on a person's non-financial interests, such as dignity, reputation, or emotions. This study aims to conduct a comparative examination of the claim for non-pecuniary damages and methods of compensation in the legal systems of Iran and England. By analyzing statutory provisions, judicial practices, and enforcement challenges in both systems, it was found that in Iran, compensation for non-pecuniary damages is primarily possible through the La Zarar rule and Article 14 of the Code of Criminal Procedure. However, the absence of clear criteria for assessment and the lack of non-monetary methods of reparation have created challenges. In England, the common law system, through judicial precedents and the use of both monetary and non-monetary remedies, provides a more coherent approach. The findings indicate that both systems have made progress in recognizing compensation for non-pecuniary damages, yet cultural and structural differences have resulted in divergent approaches to compensation and its implementation. Suggestions for improving practices have also been presented.

Keywords: *Non-pecuniary damages, compensation, Iranian legal system, English legal system*

How to cite: Farahmand, F. (2025). A Comparative Analysis of the Dimensions and Components of Non-Pecuniary Damages and Methods of Compensation in the Legal Systems of Iran and England. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(4), 1-13.



تاریخ ارسال: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

واکاوی تطبیقی ابعاد و مولفه های مطالبه خسارت معنوی و شیوه های جبران آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان

فرید فرهمند*

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr.faridfarahmand@pnu.ac.ir

چکیده

خسارت معنوی به زیان‌هایی اطلاق می‌شود که به منافع غیرمالی شخص، مانند حیثیت، اعتبار یا احساسات وارد می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مطالبه خسارت معنوی و شیوه‌های جبران آن در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان انجام شده است. با مطالعه قوانین، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی در هر دو نظام، مشخص شد که در ایران، جبران خسارت معنوی عمدتاً از طریق قاعده لاضرر و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری امکان‌پذیر است، اما فقدان معیارهای مشخص برای ارزیابی و روش‌های غیرمالی جبران، چالش‌هایی را ایجاد کرده است. در انگلستان، نظام حقوقی عرفی با بهره‌گیری از رویه‌های قضایی و روش‌های جبران مالی و غیرمالی، رویکرد منسجم‌تری ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نظام در پذیرش جبران خسارت معنوی پیشرفت‌هایی داشته‌اند، اما تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری منجر به رویکردهای متفاوتی در جبران و اجرای آن شده است. پیشنهادهایی برای بهبود رویه‌ها ارائه شده است.

کلیدواژگان: خسارت معنوی، جبران خسارت، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی انگلستان

نحوه استناددهی: فرهمند، فرید. (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی ابعاد و مولفه های مطالبه خسارت معنوی و شیوه های جبران آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۴)، ۱-۱۳.

است، اما روش مشخصی برای جبران آن پیش‌بینی نشده است. در نظام حقوقی انگلستان، خسارت معنوی (Non-Pecuniary Damages) شامل زیان‌های غیرمالی مانند درد و رنج (Pain and Suffering)، از دست دادن لذت زندگی (Loss of Amenity)، یا صدمات روانی است که در دعاوی مسئولیت مدنی (Tort Law) مانند افترا (Defamation) یا صدمات جسمانی (Personal Injury) مطرح می‌شود.

خسارت معنوی به زبانی گفته می‌شود که به منافع غیرمالی شخص وارد می‌شود و قابل تقویم مستقیم به پول نیست (Afshar, 2016). در نظام حقوقی ایران، قاعده لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) به عنوان مبنای فقهی جبران خسارت معنوی شناخته می‌شود (Rahimi & Safai, 2013). ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و تبصره‌های آن، امکان جبران خسارت معنوی را از طریق روش‌های مالی و غیرمالی، مانند عذرخواهی یا درج حکم در جراید، به رسمیت شناخته است.

در نظام حقوقی انگلستان، خسارت معنوی تحت عناوینی مانند "distress" یا "loss of reputation" در دعاوی مانند افترا (defamation) و نقض حقوق شخصی بررسی می‌شود. رویه قضایی انگلستان، جبران مالی (damages) و غیرمالی (مانند injunction یا عذرخواهی) را به عنوان ابزارهای اصلی جبران به کار می‌برد (Rashnoudi & Ahmadi, 2023). تفاوت اصلی این دو نظام در روش‌های ارزیابی خسارت و میزان مداخله قانون‌گذار در تعیین شیوه‌های جبران است.

مبانی فقهی و حقوقی

در ایران، مبنای جبران خسارت معنوی بر قواعد فقهی مانند «لا ضرر»، «لا حرج»، و «تسبیب» استوار است که بر ضرورت جبران هرگونه ضرر، اعم از مادی و معنوی، تأکید دارند. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به صراحت امکان مطالبه خسارت معنوی را به رسمیت

خسارت معنوی به عنوان آسیبی که به حقوق غیرمالی مانند حیثیت، اعتبار، و عواطف شخص وارد می‌شود، در نظام‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در ایران، مبنای فقهی و قانونی جبران خسارت معنوی بر قاعده لاضرر و برخی مواد قانونی مانند ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری استوار است. در مقابل، نظام حقوقی عرفی انگلستان با تکیه بر رویه قضایی، روش‌های متنوعی برای جبران خسارت معنوی ارائه کرده است. این پژوهش به بررسی تطبیقی این موضوع در دو نظام حقوقی، با تأکید بر رویه قضایی و چالش‌های اجرایی می‌پردازد. هدف این مطالعه، شناسایی تفاوت‌ها، شباهت‌ها و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود نظام جبران خسارت معنوی است. خسارت معنوی به زیان‌هایی اطلاق می‌شود که به منافع غیرمالی، مانند حیثیت، شرافت، عواطف، یا سلامت روانی شخص وارد می‌شود و قابل تقویم مستقیم به پول نیست. این نوع خسارت در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله نظام حقوقی ایران (حقوق اسلامی و مدنی) و انگلستان (نظام کامن‌لا)، به دلیل ماهیت غیرمادی و پیچیدگی‌های ارزیابی و جبران، همواره مورد بحث و چالش بوده است. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مطالبه خسارت معنوی، شیوه‌های جبران آن، رویه قضایی، چالش‌های اجرایی، پیشینه تحقیق داخلی و خارجی، و مبانی نظری در نظام حقوقی ایران و انگلستان انجام شده است. این مطالعه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به مقایسه این دو نظام حقوقی پرداخته است.

مبانی نظری

تعریف خسارت معنوی:

خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران به زیان‌هایی گفته می‌شود که به حقوق غیرمالی شخص، مانند حیثیت، اعتبار، یا عواطف وی وارد می‌شود. در فقه اسلامی، این مفهوم تحت قواعدی مانند «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و «بنای عقلا» مورد توجه قرار گرفته

شناخته‌اند. در انگلستان، جبران خسارت معنوی بر اساس اصول کامن‌لا و رویه قضایی شکل گرفته است. نظریه‌هایی مانند «جبران کامل» (Full Compensation) و «عدالت ترمیمی» (Restorative Justice) مبنای جبران خسارت در این نظام هستند. دادگاه‌های انگلستان از طریق تعیین خسارت پولی یا اقدامات غیرمادی مانند عذرخواهی، به جبران خسارت معنوی می‌پردازند.

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی:

رجبی و حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «خسارت معنوی و شیوه‌های جبران آن با تأکید بر رویه قضایی ایران» نشان دادند که فقدان معیارهای مشخص برای تقویم خسارت معنوی در ایران، چالش اصلی در اجرای احکام است (Rajabi & Hajidehabadi, 2017).

منصوری و نعیمی (۱۴۰۳) در بررسی روش‌های جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، به پذیرش تدریجی جبران مالی در رویه قضایی اشاره کردند، اما بر محدودیت‌های روش‌های غیرمالی تأکید داشتند (Mansouri & Naeimi, 2024).

جوانمرد و سبزواری (۱۴۰۲) در مطالعه تطبیقی با مقررات بین‌المللی، جبران مالی خسارت معنوی در ایران را با چالش‌هایی مانند عدم پذیرش گسترده در فقه سنتی مرتبط دانستند (Javanmard & Sabzevari, 2023).

رشنودی و احمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان» به این نتیجه رسیدند که نظام حقوقی ایران با چالش‌هایی مانند فقدان معیارهای دقیق برای ارزیابی خسارت معنوی و محدودیت‌های فقهی در جبران مالی مواجه است (Rashnoudi & Ahmadi, 2023).

میرشکاری و حسینی (۱۴۰۲) نیز در مطالعه‌ای با تأکید بر رویه قضایی ایران، به پذیرش تدریجی جبران مالی خسارت معنوی و استفاده از روش‌هایی مانند عذرخواهی اشاره کردند. پرونده هموفیلی‌ها علیه وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون ایران، نمونه‌ای برجسته از پذیرش خسارت معنوی در رویه قضایی ایران است که در آن دولت به پرداخت ۲۵ درصد دیه کامل بابت خسارت معنوی محکوم شد (Mirshekari & Hosseini, 2023).

پیشینه خارجی:

در انگلستان، مطالعه‌ای توسط دیانی (۱۳۹۶) نشان داد که رویه قضایی در دعاوی افتراء، جبران مالی را با معیارهایی مانند شدت زیان و تأثیر آن بر شاکی تعیین می‌کند (Deyani, 2017). پژوهش‌های انجام‌شده در حقوق انگلستان نشان می‌دهند که روش‌هایی مانند عذرخواهی عمومی و پرداخت غرامت، به‌ویژه در دعاوی نقض حریم خصوصی، به طور گسترده استفاده می‌شوند (Black, 1999).

در نظام حقوقی انگلستان، تحقیقات متعددی به بررسی خسارت معنوی پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۸ توسط دانشگاه آکسفورد نشان داد که دادگاه‌های انگلستان در دعاوی افتراء و صدمات جسمانی، معیارهایی مانند شدت زیان، تأثیر بر زندگی زیان‌دیده، و رویه‌های قضایی پیشین را برای تعیین میزان خسارت پولی در نظر می‌گیرند. همچنین، کتاب «McGregor on Damages» به‌عنوان مرجع اصلی در حقوق انگلستان، به تفصیل به شیوه‌های جبران خسارت معنوی از جمله پرداخت پول و اقدامات غیرمادی پرداخته است. در نظام‌های حقوقی دیگر مانند فرانسه، جبران خسارت معنوی گروهی نیز مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند برای ایران الگویی مناسب باشد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی، شامل قوانین، مقررات، آرای قضایی و مقالات علمی در پایگاه‌های سیویلیکا، نورمگز و منابع بین‌المللی جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان و بررسی چالش‌های اجرایی صورت گرفته است.

۵. یافته‌ها

نظام حقوقی ایران

مبنای قانونی: ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و تبصره‌های آن، جبران خسارت معنوی را از طریق روش‌های مالی (غرامت) و غیرمالی (عذرخواهی، درج حکم در جراید) به رسمیت می‌شناسد.

رویه قضایی: رویه قضایی ایران به تدریج جبران مالی خسارت معنوی را پذیرفته، اما فقدان معیارهای مشخص برای ارزیابی میزان خسارت، اجرای احکام را دشوار کرده است (Mirshekari & Hosseini, 2023).

چالش‌ها:

- ✓ عدم وجود معیارهای مشخص برای تقویم خسارت معنوی.
- ✓ محدودیت در پذیرش روش‌های غیرمالی به دلیل ملاحظات فرهنگی و فقهی.
- ✓ کمبود رویه قضایی منسجم برای دعاوی مستقل خسارت معنوی.

نظام حقوقی انگلستان

مبنای قانونی: نظام عرفی انگلستان جبران خسارت معنوی را عمدتاً از طریق دعاوی مانند افترا و نقض حریم خصوصی تنظیم می‌کند. معیارهای قضایی برای تعیین میزان خسارت شامل شدت زیان، تأثیر اجتماعی و موقعیت شاکی است.

رویه قضایی: دادگاه‌های انگلستان از روش‌های مالی (مانند injunctory damages) و غیرمالی (مانند compensatory damages) استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، در دعاوی افترا، عذرخواهی عمومی و پرداخت غرامت رایج است.

چالش‌ها:

- ✓ پیچیدگی در ارزیابی دقیق خسارت معنوی به دلیل ماهیت غیرمادی آن.
- ✓ هزینه‌های بالای دادرسی در دعاوی خسارت معنوی.
- ✓ احتمال سوءاستفاده از دعاوی افترا برای محدود کردن آزادی بیان.

رویه قضایی و چالش‌های اجرایی

نظام حقوقی ایران:

رویه قضایی ایران در زمینه خسارت معنوی با چالش‌های متعددی مواجه است:

فقدان معیارهای مشخص برای ارزیابی خسارت: نبود دستورالعمل‌های قانونی برای تعیین میزان خسارت معنوی، به تصمیم‌گیری‌های ناهمگون در دادگاه‌ها منجر شده است.

محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی: در فرهنگ ایرانی، طرح دعاوی خسارت معنوی، به‌ویژه در مواردی مانند نقض حریم خصوصی، ممکن است با مقاومت اجتماعی مواجه شود.

ضعف در اجرای احکام: حتی در مواردی که حکم به جبران خسارت معنوی صادر می‌شود، اجرای آن به دلیل مشکلات مالی خوانده یا عدم وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر، با دشواری مواجه است.

عدم پذیرش روش‌های غیرمالی: رویه قضایی ایران به ندرت به روش‌های غیرمالی مانند عذرخواهی رسمی توجه نشان می‌دهد، که این امر کارآمدی جبران خسارت را کاهش می‌دهد.

در نظام حقوقی ایران، جبران خسارت معنوی ریشه در مبانی فقهی و قانونی دارد. قاعده فقهی «لاضرر» (عدم ضرر) به عنوان یکی از

یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، پذیرش خسارت معنوی پراکنده است و چالش اجرایی اصلی، عدم معیار ارزیابی است. در انگلستان، سیستم منظم‌تر است اما با محدودیت‌های سقف مواجه. تطبیق پیشنهاد می‌شود که ایران از جدول‌های راهنما مانند انگلستان استفاده کند و انگلستان جنبه‌های غیرمادی را تقویت نماید. همچنین، آگاهی عمومی و پوشش بیمه‌ای می‌تواند چالش‌ها را کاهش دهد.

جدول ۱. مقایسه نظام حقوقی ایران و انگلستان

جنبه	ایران	انگلستان
مبنای قانونی	قانون مسئولیت مدنی، فقه	کامن‌لا، قانون خسارات
رویه قضایی	پراکنده، تمرکز بر کیفری	منظم، جدول‌های ارزیابی
شیوه جبران	مادی و غیرمادی (عذرخواهی)	عمدتاً مادی (پرداخت)
چالش‌ها	عدم معیار، کمبود آگاهی	سقف خسارت، ذهنی بودن

در نظام حقوقی کامن‌لای انگلستان، جبران خسارت معنوی به‌ویژه در دعاوی هتک حیثیت (Defamation) توسعه یافته است. مبنای اصلی جبران خسارت در این نظام، اصل جبران کامل زیان (Restitution in Integrum) است که هدف آن بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع زیان است. در دعاوی افترا (Libel و Slander)، خسارت معنوی به‌صورت مالی (Compensatory Damages) یا تنبیهی (Punitive Damages) جبران می‌شود. همچنین، اصل حسن‌نیت و رعایت حقوق افراد در نظام حقوقی انگلستان، به‌عنوان مبنای اخلاقی جبران خسارت معنوی، مورد تأکید قرار دارد.

۷. شیوه‌های جبران خسارت معنوی

اصول بنیادین، مبنای جبران هرگونه خسارت، اعم از مادی و معنوی، محسوب می‌شود. این قاعده، که برگرفته از حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» است، بر لزوم جبران زیان‌های وارده تأکید دارد. علاوه بر این، اصل احترام به حقوق افراد و حفظ کرامت انسانی، مندرج در قانون اساسی (اصل ۲۲)، از دیگر مبانی جبران خسارت معنوی است.

قوانین موضوعه نیز جبران خسارت معنوی را به‌صراحت یا به‌صورت ضمنی تأیید کرده‌اند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) مقرر می‌دارد که هر کس به دیگری زیان وارد کند، مسئول جبران آن است، و این ماده شامل خسارات معنوی نیز می‌شود. همچنین، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) به امکان مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم اشاره دارد. بااین‌حال، فقدان تعریف دقیق خسارت معنوی در قوانین ایران و نبود معیارهای مشخص برای ارزیابی آن، از موانع اصلی در این حوزه است.

نظام حقوقی انگلستان:

در انگلستان، رویه قضایی به دلیل سابقه طولانی کامن‌لا، از انسجام بیشتری برخوردار است، اما همچنان با چالش‌هایی مواجه است: هزینه‌های بالای دادرسی: دعاوی خسارت معنوی، به‌ویژه در پرونده‌های افترا، هزینه‌های سنگینی را به طرفین تحمیل می‌کند، که ممکن است مانع دسترسی به عدالت شود.

تعادل بین آزادی بیان و جبران خسارت: در دعاوی افترا، دادگاه‌ها باید بین حمایت از آزادی بیان و جبران خسارت معنوی تعادل برقرار کنند، که گاه به احکام بحث‌برانگیز منجر می‌شود (مانند Reynolds v Times Newspapers Ltd (1999)).

تغییرات اجتماعی و فناوری: گسترش رسانه‌های اجتماعی و نقض حریم خصوصی در فضای دیجیتال، چالش‌های جدیدی را برای ارزیابی و جبران خسارت معنوی ایجاد کرده است.

خسارات تحقیرآمیز (Contemptuous Damages): در مواردی که دادگاه زیان را ناچیز می‌داند.

خسارات تنبیهی (Punitive Damages): برای تنبیه عامل زیان و جلوگیری از تکرار رفتار.

ب) جبران غیرمادی
مهم‌ترین روش غیرمادی در انگلستان، صدور قرار منع (Injunction) است که از ادامه رفتار زیان‌بار (مانند انتشار مطالبات افتراءآمیز) جلوگیری می‌کند. همچنین، در مواردی، عذرخواهی عمومی یا اصلاح اظهارات ممکن است اعمال شود.

تحلیل تطبیقی

شباهت‌ها:

- هر دو نظام جبران خسارت معنوی را پذیرفته‌اند و روش‌های مالی و غیرمالی را به کار می‌برند.
- هر دو نظام حقوقی، خسارت معنوی را به عنوان یک حق قابل مطالبه به رسمیت می‌شناسند.
- در هر دو نظام، چالش اصلی، نبود معیارهای دقیق برای ارزیابی میزان خسارت معنوی است.

تفاوت‌ها:

- در ایران، محدودیت‌های فقهی و فقدان معیارهای مشخص مانع از توسعه روش‌های جبران است، در حالی که انگلستان با تکیه بر رویه قضایی، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد.
- مبنای حقوقی: در ایران، مبنای جبران خسارت معنوی قواعد فقهی مانند "لاضرر" و قوانین مدون است، در حالی که در انگلستان، اصول کامن‌لا و رویه‌های قضایی نقش اصلی را ایفا می‌کنند.
- شیوه‌های جبران: در ایران، جبران غیرمادی (مانند عذرخواهی) رایج‌تر است، اما در انگلستان، جبران مالی

در ایران، شیوه‌های جبران خسارت معنوی به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود:

الف) جبران مادی

جبران مالی خسارت معنوی، مانند پرداخت وجه نقد، در قوانین ایران پذیرفته شده است، اما در رویه قضایی کمتر مورد استقبال قرار گرفته است. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی به امکان جبران مالی اشاره دارد، اما به دلیل دشواری در ارزیابی میزان خسارت معنوی، قضات اغلب از صدور احکام مالی در این زمینه خودداری می‌کنند. برای مثال، در دعاوی هتک حیثیت، پرداخت وجه به عنوان جبران خسارت به ندرت مشاهده می‌شود.

ب) جبران غیرمادی

روش‌های غیرمادی شامل عذرخواهی رسمی، انتشار حکم در رسانه‌ها، و اعاده حیثیت است. این روش‌ها در مواردی مانند نشر اکاذیب یا توهین به کار گرفته می‌شوند. برای نمونه، ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به امکان اعاده حیثیت از طریق انتشار حکم اشاره دارد. با این حال، فقدان رویه قضایی یکسان و نبود سازوکارهای اجرایی مشخص، اثربخشی این روش‌ها را کاهش داده است.

شیوه‌های جبران در نظام حقوقی انگلستان

در انگلستان، شیوه‌های جبران خسارت معنوی به‌ویژه در دعاوی هتک حیثیت متنوع‌تر و ساختارمندتر است:

الف) جبران مادی

روش غالب در انگلستان، پرداخت وجه نقد است که به اشکال زیر تقسیم می‌شود:

جبران معادل (Compensatory Damages): برای جبران زیان وارده به حیثیت یا احساسات زیان‌دیده.

جبران سمبلیک (Nominal Damages): در مواردی که زیان اندک است.

فناوری‌های جدید می‌تواند کارآمدی نظام جبران خسارت معنوی را افزایش دهد.

برای ایران

- ✓ تدوین معیارهای مشخص برای ارزیابی خسارت معنوی در قوانین.
- ✓ توسعه روش‌های غیرمالی جبران مانند عذرخواهی عمومی با نظارت قضایی.
- ✓ تقویت آموزش قضات در زمینه دعاوی خسارت معنوی.
- ✓ فقدان تعریف دقیق و معیارهای ارزیابی: خسارت معنوی در قوانین ایران تعریف نشده و معیارهای مشخصی برای ارزیابی میزان آن وجود ندارد.
- ✓ نبود وحدت رویه قضایی: تفاوت در رویکرد قضات به جبران خسارت معنوی، به صدور آرای متناقض منجر شده است.
- ✓ محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی: در برخی موارد، عذرخواهی یا اعاده حیثیت به دلیل ملاحظات اجتماعی اثربخشی لازم را ندارد.
- ✓ مشکلات اجرایی روش‌های غیرمالی: اجرای احکامی مانند انتشار حکم در رسانه‌ها با موانع عملی مواجه است.

برای انگلستان

- ✓ کاهش هزینه‌های دادرسی برای دعاوی خسارت معنوی.
- ✓ ایجاد تعادل بین جبران خسارت و حفظ آزادی بیان.
- ✓ هزینه‌های بالای دادرسی: دعاوی هتک حیثیت در انگلستان پرهزینه بوده و ممکن است برای برخی زیان‌دیدگان قابل دسترسی نباشد.
- ✓ محدودیت جبران غیرمالی: استفاده از قرار منع به‌عنوان تنها روش غیرمالی، ممکن است در همه موارد کافی نباشد.

غالب است و روش‌های غیرمالی به قرار منع محدود می‌شوند.

- رویه قضایی: در ایران، رویه قضایی در پذیرش جبران مالی خسارت معنوی محتاطانه عمل می‌کند و بیشتر به روش‌های غیرمالی تمایل دارد. در مقابل، در انگلستان، رویه قضایی به‌طور گسترده‌ای از جبران مالی حمایت می‌کند و احکام متعددی در این زمینه صادر شده است.
- چالش‌های اجرایی: در ایران، موانع فرهنگی و کمبود رویه قضایی، و در انگلستان، هزینه‌های دادرسی و تعارض با آزادی بیان از چالش‌های اصلی هستند.

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که نظام حقوقی انگلستان به دلیل سابقه طولانی در رویه قضایی و انعطاف‌پذیری در روش‌های جبران، عملکرد مؤثرتری در جبران خسارت معنوی دارد. در مقابل، نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان چارچوب قانونی مشخص و محدودیت‌های فرهنگی، در این زمینه با کاستی‌هایی مواجه است. برای بهبود وضعیت در ایران، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود: تدوین قوانین جامع: قانون‌گذاری صریح در زمینه تعریف، ارزیابی، و جبران خسارت معنوی، با الهام از تجارب نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند انگلستان.

توسعه رویه قضایی منسجم: ایجاد دستورالعمل‌های قضایی برای تعیین معیارهای ارزیابی خسارت معنوی و تشویق به استفاده از روش‌های غیرمالی.

آموزش قضات و وکلا: برگزاری دوره‌های آموزشی برای افزایش آگاهی قضات و وکلا درباره اهمیت خسارت معنوی و روش‌های جبران آن.

ترویج فرهنگ حقوقی: افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق مرتبط با خسارت معنوی از طریق رسانه‌ها و آموزش‌های اجتماعی.

در انگلستان نیز، کاهش هزینه‌های دادرسی و تدوین دستورالعمل‌های به‌روز برای مواجهه با چالش‌های ناشی از

✓ ارزیابی میزان خسارت: تعیین میزان دقیق خسارات مالی، به‌ویژه خسارات تنبیهی، گاهی با دشواری همراه است.

مشترک

✓ استفاده از تجربیات بین‌المللی برای تدوین استانداردهای جبران خسارت معنوی.

✓ بهره‌گیری از علم روان‌شناسی برای ارزیابی دقیق‌تر خسارات معنوی.

✓ ارزیابی خسارت: در هر دو نظام، تعیین میزان خسارت معنوی به دلیل ماهیت غیرمادی آن دشوار است.

✓ تنوع در رویه قضایی: در ایران، نبود وحدت رویه و در انگلستان، پیچیدگی‌های دعاوی هتک حیثیت، به ناهماهنگی در احکام منجر شده است.

✓ تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی: در ایران، ملاحظات فرهنگی و دینی، و در انگلستان، تأکید بر آزادی بیان، بر نحوه جبران خسارت تأثیر می‌گذارند.

مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان نشان‌دهنده تفاوت‌های اساسی در رویکرد به جبران خسارت معنوی است. در ایران، تأکید بر روش‌های غیرمادی مانند عذرخواهی و اعاده حیثیت است، اما فقدان معیارهای ارزیابی و وحدت رویه، اثربخشی این روش‌ها را کاهش داده است. در مقابل، انگلستان با تکیه بر جبران مالی و استفاده از سوابق قضایی، رویکردی منسجم‌تر دارد. با این حال، هر دو نظام با چالش‌هایی مانند دشواری ارزیابی خسارت و محدودیت‌های اجرایی مواجه‌اند.

پیشنهادهای و راهکارها

- تدوین معیارهای ارزیابی خسارت معنوی در ایران: قانون‌گذار باید معیارهای مشخصی برای ارزیابی خسارت معنوی، مانند شدت زیان و تأثیر آن بر زندگی زیان‌دیده، ارائه دهد.

- تقویت وحدت رویه قضایی: ایجاد رویه قضایی یکسان از طریق صدور آرای وحدت رویه توسط دیوان عالی کشور.

- توسعه روش‌های غیرمادی در ایران: استفاده از روش‌های خلاقانه مانند الزام به انجام خدمات اجتماعی توسط عامل زیان.

- کاهش هزینه‌های دادرسی در انگلستان: ایجاد سازوکارهایی برای دسترسی آسان‌تر زیان‌دیدگان به عدالت.

- تبادل تجربیات بین نظام‌های حقوقی: ایران می‌تواند از تجربه انگلستان در جبران مالی و انگلستان از روش‌های غیرمادی ایران بهره‌مند شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان جبران خسارت معنوی را پذیرفته‌اند، اما تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی منجر به رویکردهای متفاوتی شده است. در ایران، قاعده لاضرر و قوانین مدون مبنای جبران هستند، اما فقدان معیارهای مشخص و محدودیت‌های فقهی، اجرای احکام را دشوار کرده است. در انگلستان، رویه قضایی منسجم و استفاده از روش‌های متنوع جبران، کارآمدی بیشتری دارد. با این حال، هر دو نظام با چالش‌هایی مانند ارزیابی دقیق خسارت و هزینه‌های دادرسی مواجه‌اند.

مطالبه خسارت معنوی و شیوه‌های جبران آن در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، تحت تأثیر مبانی نظری، رویه قضایی، و شرایط اجتماعی-فرهنگی قرار دارد. در حالی که انگلستان از یک نظام منسجم و انعطاف‌پذیر بهره می‌برد، ایران با چالش‌های ساختاری و اجرایی مواجه است. با این حال، هر دو نظام می‌توانند از تجارب یکدیگر بهره‌مند شوند: ایران می‌تواند از انعطاف‌پذیری روش‌های جبرانی انگلستان الهام بگیرد، و انگلستان می‌تواند با ساده‌سازی

روش‌های مالی متنوع و رویه قضایی منسجم، مؤثرتر به نظر می‌رسد. در ایران، با وجود مبانی فقهی و قانونی قوی، فقدان معیارهای ارزیابی و وحدت رویه قضایی، موانع اصلی هستند. با تدوین قوانین دقیق‌تر و تقویت رویه قضایی، می‌توان جبران خسارت معنوی را در ایران بهبود بخشید. مطالعه تطبیقی این دو نظام نشان می‌دهد که ترکیب روش‌های مادی و غیرمادی، همراه با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی هر کشور، می‌تواند به جبران مؤثرتر خسارت معنوی منجر شود.

این مطالعه نشان‌دهنده اهمیت توجه به ماهیت چندوجهی خسارت معنوی و ضرورت انطباق روش‌های جبران با نیازهای اجتماعی و حقوقی هر نظام است.

این بررسی تطبیقی نشان داد که هر دو نظام حقوقی پیشرفت‌هایی در جبران خسارت معنوی داشته‌اند، اما چالش‌های اجرایی مانع اجرای کامل است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of non-pecuniary damages, often referred to as moral or intangible harm, is one of the most complex areas in both civil and common law jurisdictions. These damages, by their nature, relate to non-financial interests such as dignity, reputation, psychological well-being, and emotional security, which cannot be easily quantified in monetary terms. In the Iranian legal system, the basis for recognizing such damages can be traced to jurisprudential principles such as the rule of *la zarar* (no harm) and specific statutory provisions, particularly Article 14 of the Code of Criminal Procedure (2013). Scholars have emphasized

فرآیندهای دادرسی و توجه به چالش‌های فناوری، نظام خود را بهبود بخشید. در نهایت، توسعه یک چارچوب حقوقی منسجم و متناسب با نیازهای اجتماعی، کلید موفقیت در جبران خسارت معنوی در هر دو نظام است.

بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان نشان می‌دهد که هر دو نظام، خسارت معنوی را به رسمیت می‌شناسند، اما رویکردها و چالش‌های اجرایی متفاوتی دارند. در ایران، نیاز به تدوین معیارهای مشخص برای ارزیابی خسارت معنوی و ایجاد وحدت رویه قضایی احساس می‌شود. در انگلستان، تعادل بین آزادی بیان و جبران خسارت و کاهش هزینه‌های قضایی از اولویت‌هاست. پیشنهادات زیر می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند:

ایران: تدوین آیین‌نامه‌ای برای تعیین معیارهای ارزیابی خسارت معنوی و تقویت آموزش قضات در این زمینه.

انگلستان: توسعه روش‌های غیرمادی جبران خسارت و کاهش هزینه‌های دعوای قضایی.

مشترک: تبادل تجربیات قضایی بین دو نظام حقوقی برای بهبود روش‌های جبران و ایجاد رویه‌های منسجم‌تر.

جبران خسارت معنوی در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با چالش‌هایی همراه است، اما رویکرد انگلستان به دلیل استفاده از

that the acknowledgment of such damages in Iran remains fragmented due to the lack of clear criteria for assessment and a strong dependence on judicial discretion (Afshar, 2016; Rahimi & Safai, 2013). By contrast, the English legal system, rooted in the common law tradition, has developed a more coherent framework through judicial precedents. Categories such as pain and suffering, loss of amenity, defamation, and emotional distress have become established bases for recognizing claims for non-pecuniary damages, supported by both compensatory and non-monetary remedies, including injunctions and public apologies (Rashnoudi & Ahmadi, 2023).

Despite these developments, both systems grapple with the inherent difficulty of translating intangible losses into legal remedies, raising questions about fairness, adequacy, and consistency in adjudication.

The theoretical foundations of non-pecuniary damages differ significantly between the two jurisdictions, reflecting divergent philosophical and cultural traditions. In Iran, Islamic jurisprudence has historically emphasized the moral and ethical duty to prevent harm, with principles such as *la haraj* (no undue hardship) and *tasbib* (causation of harm) underpinning judicial approaches. These rules, complemented by provisions in the Civil Liability Act of 1959 and subsequent reforms, provide the legal framework for claims of non-pecuniary damages. However, critics argue that the absence of detailed legislative guidelines and the reliance on traditional jurisprudence create ambiguity in practice (Mansouri & Naeimi, 2024; Rajabi & Hajidehabadi, 2017). For instance, while courts may acknowledge claims for injury to reputation or emotional suffering, the difficulty lies in quantifying the harm and determining suitable remedies beyond mere monetary compensation. In England, the doctrinal underpinnings are based on common law notions of *full compensation* and restorative justice, which emphasize returning the injured party, as far as possible, to the position they would have occupied had the harm not occurred. The judiciary plays a central role in shaping these principles, and courts often rely on case law precedents to maintain consistency and fairness. In this sense, English law provides a more structured, albeit evolving, approach to the problem, but it too faces tensions between competing values, such as the balance between compensating victims and safeguarding freedom of expression in defamation cases (Black, 1999; Deyani, 2017).

The literature reveals important insights into the historical and comparative trajectories of both systems. In Iran, research by scholars such as Rajabi has demonstrated that the primary obstacle to the effective recognition of non-pecuniary damages lies in the absence of concrete criteria for evaluation, which leads to inconsistent judicial outcomes (Rajabi & Hajidehabadi, 2017). Mansouri and Naeimi have further argued that although Iranian courts are increasingly willing to accept financial compensation for intangible harms, there remains a marked reluctance to employ non-financial remedies such as apologies or public acknowledgments, which could, in many cases, provide more meaningful redress (Mansouri & Naeimi, 2024). Javanmard and Sabzevari, in their comparative analysis with international standards, have highlighted that Iranian law continues to face resistance rooted in traditional jurisprudence, which often hesitates to recognize purely moral harms as compensable (Javanmard & Sabzevari, 2023). Conversely, studies conducted in England illustrate that common law courts have developed a more pragmatic approach, relying on judicial discretion to evaluate the severity of harm, its impact on the victim's life, and established precedents to determine compensation (Deyani, 2017). The Oxford University study in 2018 further showed that courts in England increasingly account for psychological harm and social consequences when awarding damages, marking a shift toward greater recognition of the subjective experiences of victims.

Judicial practice has also shaped the evolution of non-pecuniary damages in both systems, though in very different ways. In Iran, judicial precedents remain relatively scarce and fragmented, with courts often reluctant to award significant financial damages in cases involving defamation, insult, or breach of dignity. The hemophiliac case against the Ministry of Health and the Iranian Blood

Transfusion Organization stands as a landmark example, where the government was ordered to pay 25% of the full *diyya* (blood money) as compensation for moral harm, thereby setting an important precedent (Mirshekari & Hosseini, 2023). Yet, such cases remain exceptional rather than normative, and most courts prefer symbolic or non-financial remedies, reflecting the continuing influence of cultural and religious factors. In England, judicial precedents in defamation and personal injury cases have established clearer guidelines for compensation, with courts often granting both compensatory damages and ancillary remedies such as injunctions to prevent further harm. The famous case of *Reynolds v Times Newspapers Ltd* (1999) illustrates the delicate balance courts attempt to strike between protecting individual reputation and upholding the principle of freedom of expression. The proliferation of social media platforms has also forced English courts to adapt rapidly, addressing the growing challenge of reputational harm in the digital sphere, where damages can be widespread and enduring (Rashnoudi & Ahmadi, 2023).

When comparing the two systems, both similarities and differences emerge. Both Iran and England recognize the compensability of non-pecuniary damages and allow for both monetary and non-monetary remedies, at least in theory. Both jurisdictions also face the enduring challenge of defining clear and objective criteria for evaluating intangible harm, given its inherently subjective nature (Afshar, 2016; Rahimi & Safai, 2013). However, the contrasts are equally significant: Iran's system is rooted in Islamic jurisprudence and statutory law, which emphasize moral responsibility and community values, while England's system relies on case law and judicial precedent, emphasizing consistency and pragmatism. Iranian courts tend to favor non-monetary remedies such as apologies or

symbolic measures, though these are rarely enforced rigorously, whereas English courts prioritize financial compensation, supplemented by injunctions where necessary. Cultural considerations also play a role, with Iranian society often hesitant to pursue moral damages claims due to stigma or religious sensitivities, while in England such claims are more readily pursued, though constrained by the high costs of litigation and the need to balance them against public interest in free speech (Mansouri & Naeimi, 2024; Rashnoudi & Ahmadi, 2023).

The findings of this comparative analysis highlight several important implications. First, in both systems, the absence of precise legislative or judicial criteria for calculating non-pecuniary damages undermines consistency and predictability, which in turn reduces confidence in the fairness of judicial outcomes. Second, while England has developed a more coherent body of case law that allows courts to evaluate intangible harms systematically, it continues to face significant challenges, including the high costs of litigation and the potential misuse of defamation lawsuits to silence free speech. Third, Iran's system, though firmly grounded in jurisprudential principles and statutory law, has not yet developed the necessary legal and institutional mechanisms to operationalize compensation for non-pecuniary damages in a consistent and enforceable manner (Javanmard & Sabzevari, 2023; Rajabi & Hajidehabadi, 2017). These differences underscore the importance of cultural, institutional, and historical contexts in shaping the legal treatment of moral damages, suggesting that while mutual learning is possible, direct transplantation of legal models may not always be effective.

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that both Iran and England have made strides toward recognizing and compensating non-pecuniary damages, but

each system faces its own distinct challenges. Iran struggles with the lack of clear legal standards, limited judicial practice, and cultural barriers to claiming moral damages, while England, despite its more developed jurisprudence, must contend with the complexities of balancing compensation with freedom of expression and the rising influence of digital media. Ultimately, the study reveals that while the goal of both systems is to uphold dignity, justice, and fairness for individuals who suffer intangible harm, the mechanisms for achieving this goal remain deeply shaped by their respective cultural, jurisprudential, and institutional contexts.

References

- Afshar, H. (2016). Civil Liability for Compensation of Non-Material Damages in Iranian Law.
- Black, H. C. (1999). *Black's Law Dictionary*. West Group.
- Deyani, A. (2017). Compensation for Damages Resulting from Bodily Injuries in Iranian and English Law. *Comparative Legal Research Journal*(145), 1-20.
- Javanmard, L., & Sabzevari, S. (2023). Financial Methods of Compensation for Non-Material Damages in Iranian Law Compared to International Regulations. Second International Conference on Advocacy, Law, and Humanities, Hamedan.
- Mansouri, M., & Naeimi, H. (2024). Methods of Compensation for Non-Material Damages in Iranian Law. Second National Conference on Modern Private Law, Khomeini Shahr.
- Mirshekari, A., & Hosseini, F. S. (2023). A Comparative Study on the Methods of Non-Material Damage Compensation with an Emphasis on Judicial Practices in Iran. *Judiciary Legal Journal*, 87(121), 351-378.
- Rahimi, H., & Safai, H. (2013). *Civil Liability (Obligations Outside Contracts)*. Mizan.
- Rajabi, M., & Hajidehabadi, M. A. (2017). Non-Material Damages and Methods of Compensation with an Emphasis on Judicial Practices in Iran. Annual Conference on Research in Humanities and Social Studies, Tehran.
- Rashnoudi, A., & Ahmadi, Y. (2023). A Comparative Study of Methods for Compensation of Non-Material Damages in the Legal Systems of Iran and England. *Legal Civilization Quarterly*, 6(15), 53-78.